

دستاوردهای دیپلماتیک یا احیای توافق پیشین؟

ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان قرارداد «سوآپ» گازی سه‌جانبه را به سرانجام رساندند.

به گزارش سایت خبری پرسون، ایران، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان قرارداد «سوآپ» گازی سه‌جانبه را به سرانجام رساندند؛ قراردادی با جنجال تبلیغاتی فراوان که شاید بتواند یک امتیاز مثبت برای وزیر نفت ایران جواد اوجی محسوب شود که از روز اول وعده این کار را داده بود و به سرانجام هم رسید؛ اما باید آن را از مسعود میرکاظمی مخفی کند که ظاهراً با سوآپ سر سازگاری ندارد و در یکی از حرکات آکروباتیک خود در دوره کوتاه وزارت نفتش سوآپ نفت ایران و همسایگان شمالی را بدون هیچ توجیهی ناگهان متوقف کرد و به حرف هیچ‌کس هم گوش نکرد و نام سوآپ یا به قول خودش «شوآپ» را تا مدت‌ها به نام خود سند زد.

براساس این توافق که در حاشیه اجلاس سران اکو در ترکمنستان به امضا رسید، ترکمنستان روزانه پنج تا شش میلیون مترمکعب گاز به جمهوری آذربایجان می‌فروشد؛ این گاز از مسیر ایران به جمهوری آذربایجان ترانزیت (سوآپ) خواهد شد. ایران مدعی است بخشی از گاز مصرفی مورد نیاز خود در پنج استان کشور را از حق انتقال این گاز برداشت خواهد کرد؛ مسئله‌ای که مسائلی- که کارشناسان تردیدهای جدی درباره آن دارند.

این قرارداد از اول دی‌ماه امسال بدون سقف زمانی اجرا خواهد شد، اما میزان گاز برداشتی ایران همچنان نامشخص است. قرارداد سه‌جانبه سوآپ سالانه ۱.۵ تا ۲ میلیارد متر مکعب گاز ترکمنستان به جمهوری آذربایجان از طریق ایران با حضور سید ابراهیم رئیسی و الهام علی‌اف به امضا رسید؛ اتفاقی که هرچند خود وزیر نفت به شکلی متعادل درباره آن اظهارنظر کرد، اما با استقبال عمده و موج خبری رسانه‌ها در حمایت از توافق همراه شده است؛ اما کارشناسان بدبین‌تر هستند. وزیر نفت همچنین درباره تسویه بدهی گازی با ترکمنستان گفت: «وزارت نفت راهکارهای خوبی را پیشنهاد داده است و پرداخت بدهی آغاز شده و به‌زودی اولین قسط پرداخت بابت بدهی گاز انجام خواهد شد». واردات گاز از ترکمنستان به ایران از سال ۹۵ به این سو قطع شده بود.

دست از سر دولت پیش برنمی‌دارند

درحالی‌که عمده رسانه‌های حتی ناهمسو با دولت از این توافق استقبال کرده‌اند اما رسانه‌های محافظه‌کار از جمله خبرگزاری فارس درباره این مسئله موضع گرفته و طبق روال آن را به گردن شخص بیژن زنگنه و دولت پیشین انداخته است. فارس می‌نویسد جواد اوجی در دولت دهم می‌خواست با تهاجر، بدهی ترکمنستان را صاف کند اما: «با روی کار آمدن دولت یازدهم، بیژن زنگنه سازوکار تسویه تهاجر گاز با کالا را متوقف کرد» و با «کری‌خوانی‌های غیرمنطقی» ایران دو میلیارد دلار جریمه شد. بدون اشاره به اینکه یکی از مهم‌ترین قراردادهای سوآپ انرژی با همسایگان شمالی را وزیر نفت همان دولت دهم به گونه‌ای ملغا کرد که باورکردن آن برای مدتی طولانی برای بسیاری از جمله وزیران نفت پیشین خود دولت آقای احمدی‌نژاد هم دشوار بود.

در این پرونده دیوان لاهه علیه ایران حکم صادر کرد و پرونده وزیر نفت دولت دهم حتی در داخل نیز به دیوان محاسبات رفت. میرکاظمی با استفاده از اصطلاح «شوآپ»، این عملیات مهم نفتی را به مسخره گرفت و گفت: «با قطع سوآپ دست بابک زنجانی را از نفت کشور قطع کردیم» که نیازی به توضیح بیشتر ندارد؛ تنها اینکه به گفته یکی از مسئولان وقت اصلاً داستان آقای بابک زنجانی به زمان بعد از عملیات سوآپ برمی‌گشت و دخلی به موضوع نداشت.

صحبت‌های مسئولان رسمی درباره لغو سوآپ نفت و آقای میرکاظمی امروز چنان تند است که می‌شود از بازنشر آن به دلایل مربوط به منافع ملی گذشت؛ اما از نظر کارشناسی نمی‌شود از آن گذشت. ازهمین‌رو با «حمیدرضا عراقی»، مدیرعامل اسبق شرکت ملی گاز ایران و «حمید حسینی»، عضو اتاق بازرگانی ایران، از بنیان‌گذاران اصلی اتحادیه صادرکنندگان فراورده‌های نفتی تماس گرفتیم. آقای حسینی هم‌اکنون عضو هیئت‌مدیره اتاق مشترک ایران و عراق است.

دیپلماتیک خوب است؛ مالی و گازی بی‌ارزش

عراقی درباره مزایای این توافق معتقد است دیپلماسی انرژی و نیز ساختار شرکت ملی گاز ایران بر این میناست که از طریق انتقال گاز روابطمان را با هر کشوری از کویت و عراق و ترکیه تا قفقاز توسعه بدهیم. پس چنین توافقی از منظر دیپلماسی انرژی و منافع ملی مورد وثوق است. اما منافع مادی را هم باید در نظر بگیریم. نمی‌شود که گاز را مجانی بگیریم و بدهیم.

در صورت اجرا شدن طرح منفعت حسن هم‌جواری تأمین می‌شود و از نظر دیپلماتیک حرکت ارزشمندی است؛ ولی ما پیش از این از طریق بخش خصوصی گاز را از ترکمنستان می‌خریدیم و به جمهوری آذربایجان می‌فروختیم و منافع حاصل از آن در منابع شرکت ملی گاز لحاظ می‌شد و مثلاً صرف پروژه‌های گازرسانی می‌شد. اکنون تا جایی که می‌دانم ظاهراً ترکمنستان با آذربایجان مستقیم قرارداد فروش بسته است و صرفاً به ایران حق ترانزیت می‌دهد آن هم معلوم نیست چقدر. اما سوای مسائل مالی کار خوبی است حداقل از نظر حسن هم‌جواری.

درباره گازرسانی مورد ادعای دولت به پنج استان سؤال می‌کنم. رئیس پیشین شرکت ملی گاز معتقد است این توافق هیچ تأثیری در گازرسانی ندارد. در گیلان و مازندران مصرف می‌کنیم و معادل می‌دهیم؛ یعنی اصلاً بحث گازرسانی به پنج استان منتفی است. درباره سابقه پیشین سوآپ با کشورهای شمالی و احتمال وجود بی‌اعتمادی، عراقی آن را رد می‌کند و این توافق را گامی مثبت می‌داند، چراکه هرچه خط لوله‌ها در اطراف ایران به هم بپیوندند، امری است مثبت. و اما درباره احتمال ادامه همکاری با کشورها در دیگر زمینه‌ها، این مدیر ارشد گازی معتقد است امکان این هست که بتوانیم گاز ترکمنستان را به گاز ایران اضافه کنیم و برای نمونه به پاکستان برسانیم.

درباره خط لوله جایگزین «تاپی» می‌پرسم که با دورزدن ایران گاز ترکمنستان را به پاکستان و هند می‌رساند که عراقی می‌گوید با این وضعیت افغانستان و حضور طالبان اگر هم شروع به اجرایی‌شدن بشود که بعید است و بسیار زمان می‌برد، هرچند حمایت سعودی و ایالات متحده را هم داشته باشد؛ اما خط لوله ما مهیاست. اما فشار تحریم را چه کنیم؟ عراقی می‌گوید بدون رفع تحریم هم احتمال جدی دارد و می‌توان از مزایای استفاده از آن بر نفت یا نفتا برای پاکستان استفاده کرد، طرف هندی به دلیل مشکلاتی که با پاکستان دارد، مشتاق گاز ماست، اما تردید دارد.

یک شرکت خصوصی هم می‌توانست؛ نیازی به حضور رئیس‌جمهور نبود!

حمید حسینی موضعی تندتر دارد و اساساً موضوع را بزرگ‌نمایی‌شده و به زبان ما هیاهو برای هیچ می‌خواند. حسینی معتقد است کار مثبتی است. هر قدر از سوآپ استفاده کنیم غنیمت است و کشورها را از نظر اقتصادی و استراتژیک به ما وابسته می‌کند. از این نظر البته ارزش دارد ولی این کار را قبلاً یک شرکت نیمه‌خصوصی انجام می‌داد و اصلاً نیازی به وزیر و رئیس‌جمهور و تبلیغات نداشت. اصلاً از نظر سیاسی این‌قدر ارزش ندارد که بزرگ‌نمایی شود. ما خودمان در این شرایط تحریمی ۸۰۰ میلیون مترمکعب گاز تولید می‌کنیم، پنج میلیون، رقمی است؟ با این میزان شاید بتوانیم نصف یک شهر در استان خراسان را گاز بدهیم. مصرف پنج شهری که ذکر شده ۸۰ میلیون متر مکعب است. چه اهمیتی دارد پنج میلیون مترمکعب؟ اصلاً عددی که نیست هیچ تازه هزینه هم دارد.

خط لوله‌ها چند سال فعال نبوده‌اند و باید بازسازی شوند؛ بنابراین از نظر اهمیت اصل مسئله کلاً زیر سؤال است. بدون سروصدا هم می‌شد همان شرکت یا یک شرکت دیگر برود قرارداد ببندد و وقت رئیس‌جمهور هم گرفته نمی‌شد! اصل مسئله مثبت است اما در برابر مشکلات ما چیزی نیست اصلاً. ما ترانزیت هوایی‌مان را داریم از دست می‌دهیم، میادین مشترک ما با عراق و عربستان و قطر دارد از بین می‌رود، آن وقت ما مرتب بر سر کرسنت جنجال می‌کنیم که گاز قسمت مشترکش (لایه خوف) را اماراتی‌ها بردند. ترکمنستان هم اصلاً دیگر ظرفیتی ندارد تا برای صادرات مشترک با ما همکاری کند، با این همه پروژه جایگزین که در این مدت تحریم ما تعریف کرده است.

منبع: شرق